

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۳۰

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال یازدهم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۷

واکاوی تطبیقی مضامین انتظار در شعر «علاّمه جشی» و «لطفعلی بیک آذر بیگدلی»

^۱ مجید محمدی

^۲ ایمان قنبری اقدم

^۳ مهران معصومی

چکیده

مهذویت به عنوان یکی از بُن‌مایه‌های اصلی اعتقادی شیعه، بخش قابل توجهی از ادبیات دینی را به خود اختصاص داده است؛ التزام به این مسئله سبب شده است تا شاعران در دو ادبیات فارسی و عربی آثاری گران سنگ را بر تارک ادبیات متعهد برجای گذارند. «علاّمه جشی قطیفی» و «لطفعلی بیک آذر بیگدلی» از شاعران متعهدی هستند که بخش زیادی از دیوان آنان را قصاید دینی تشکیل داده است. در این پژوهش، نخست بنابر جایگاه و رسالت ادبیات تطبیقی، بر بنیان دیدگاه‌های مکتب آمریکایی، که تأکید بر مطالعات زیباشناختی، میان رشته‌ای و بینا فرهنگی از ویژگی‌های برجسته این نظریه است، پیش رفته و با هدف بیان وجوه شباهت‌ها و تفاوت‌های شعری آنان و به روش تطبیقی - تحلیلی با استناد به شواهدی از اشعار این دو شاعر، به بررسی این مضامین پرداخته‌ایم. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که این دو شاعر، دارای مباحث

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول) (Mohammadimajid44@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی (imanghanbariaghdam@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی (masoomi.mehran@gmail.com).

مشترکی همچون؛ شناخت امام به عنوان آخرین حجت الهی، مسئله انتظار، مدینه فاضله، جهان عدالت محور مهدوی، شیوع ظلم در آخرالزمان، لزوم وجود حجّت الهی، پاسخ به دو شبهه مهم در زمینه مهدویت مسائلی از این دست هستند. در این میان افتراقاتی هم چون؛ میلاد امام، ضرورت وجود پیشوای الهی، نابودی دجال و نام گذاری امام، جلوه‌ای خاص به شعرآنان بخشیده است. نتایج نشان می‌دهد که اشعار مهدوی علامه، به سبب خلق تصاویر ادبی زیبا و مضامین متنوع و نیز بهره‌گیری از برخی مضامین روایی و قرآنی، نمود برجسته‌تری نسبت به اشعار آذر بیگدلی داشته و از تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب برخوردار بوده است.

واژگان کلیدی

انتظار، ادبیات تطبیقی، علامه جشی، آذر بیگدلی.

مقدمه

ظهور موعود و منجی آخرالزمان از جمله مسائلی است که تقریباً در تمام ادیان به آن اشاره شده است و هر کدام به نوعی از آن تعبیر می‌کنند. مهدویت، به عنوان رکنی اساسی با اعتقادات شیعه در آمیخته است؛ این مهم، بهترین تجلی خود را در عرصه ادبیات آیینی و به ویژه در شعر مهدوی یافته است؛ اعتقاد به انتظار، اعتقاد به چیزی است که در قرآن کریم نوید آن به تمام محرومان و مستضعفان جهان داده شده است و آن تحقق جامعه‌ای است که عدالت و برابری رکن اساسی آن را شکل می‌دهد «بیشتر اشعاری که در این زمینه سروده شده‌اند، غالباً پیرامون محورهای اساسی هم چون اثبات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان دوازدهمین پیشوای شیعیان، بشارت به ظهور آن حضرت پس از غیبتی طولانی، ابراز امیدواری به آینده‌ای درخشان همراه با برقراری حکومت عدل جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدح و وصف آن حضرت، ولادت و نسبت وی، فلسفه غیبت، طول عمر امام، انتظار فرج و امید به آینده‌ای تابناک، علائم ظهور و موضوعاتی از این دست می‌چرخد.» (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۲۷۹-۲۸۰) علاقه وافر شاعران متعهد شیعی در دوادب فارسی و عربی نسبت به خاندان اهل بیت علیهم السلام و به ویژه اعتقاد آنان به مسئله مهدویت به عنوان رکنی اساسی در اعتقادات شیعه سبب شده است تا شاعران

با قریحه خدادادی خویش دست به سرایش اشعاری زیبا در این زمینه زده و با گنجاندن این مفاهیم در اشعار خود گامی را در جهت احیای این امر و نیز ترویج آن بردارند. «علی بن حسن الجشی» و «لطفعلی بیگ آذربیکدلی» نمونه‌ای بارز از شاعران خوش ذوق ادب فارسی و عربی هستند که غالب اشعار آنها را مدح امامان بزرگوار و اهل بیت علیهم‌السلام تشکیل می‌دهد. قصاید و اشعار مذهبی این دو، از یک سو بیانگر حب آنها نسبت به مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف و از سوی دیگر نشان‌دهنده آگاهی دینی بالا آنها نسبت به مفهوم مهدویت است.

هدف کلی از پژوهش حاضر مقایسه تطبیقی مسئله مهدویت در دیوان دو شاعر است. شیوه و روش کار به این صورت است که موضوعات مختلف مهدویت به طور جداگانه در دیوان دو شاعر مطالعه و مقایسه می‌شود و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان آنها بررسی و ذکر می‌گردد. بنابراین انجام این پژوهش، در حوزه ادبیات تطبیقی بسیار ضروری می‌نماید. هدف از آن، علاوه بر معرفی «الجشی القطیفی» و «آذربیکدلی»، که در زمره شاعران اهل بیت علیهم‌السلام قرار دارند، بررسی مضامین مشترک و متفاوت در دیوان دو شاعر است. نگارندگان در این جستار برآنند تا با نگاهی تطبیقی و به روش توصیفی و تحلیلی قصاید مهدوی این دو شاعر را مورد بررسی قرار داده و از رهگذر آن به سوالات زیر پاسخ دهند:

۱. برجسته‌ترین مضامین مهدوی در اشعار دو شاعر و نیز وجوه اشتراک و افتراق آنها کدامند؟

۲. کدام یک از دو شاعر در خلق مضامین مهدوی توانایی بیشتری را از خود نشان داده‌اند؟

فرضیه‌های تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مضامینی هم‌چون انتظار و آداب آن، برپایی نظامی عادلانه، مبارزه با جور و ستم و جهل و تشکیل مدینه فاضله در قصاید هر دو شاعر مشترک است؛ اما از یک سو پرداختن به موضوعاتی هم‌چون ضرورت وجود پیشوای الهی، و اشاره به میلاد امام از سوی علامه جشی و اشاره به موضوعاتی هم‌چون نابودی دجال و نام‌گذاری امام جلوه‌ای متمایز به شعر دو شاعر بخشیده است.

ضرورت، اهمیت و هدف

یکی از اصلی‌ترین دلایل ضرورت نگارش این مقاله بررسی نگاه شاعران فارسی زبان و عرب زبان به موضوع مهدویت و اهمیت آن و نیز معرفی «علی بن حسن الجشی القطیفی» و «لطفعلی بیگ آذر بیگدلی» به عنوان دو شاعر متعهد است. از آن جا که شعر از برترین وسایل جهت تأثیر بر دیگران و نشر معارف محسوب می‌شود، پرداختن به اشعاری از این دست، گامی بزرگ جهت ترویج فرهنگ مهدویت است. ادبیات تطبیقی یکی از دانش‌های تأثیرگذار در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است. با توجه به اهمیت چنین موضوعی، تلاش شده است تا ضمن معرفی این دو شاعر عربی و فارسی، به یکی از محورهای اصلی شعرشان، که اشعار مهدوی است بپردازیم. بنای اساسی این پژوهش، بر بررسی و تحلیل مضامین شعری این دو شاعر در مدح و منقبت و وجوه اشتراک و افتراق این مضامین است.

روش پژوهش و چارچوب نظری

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و همچنین فضای مجازی، فرآیند پژوهش پیش رفته است؛ نخست با شرحی از زندگی دو شاعر و سپس بررسی مضامین مشترک و متفاوت مهدویت صورت پذیرفته است. بررسی این دو اثر بر بنیان دیدگاه‌های مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی استوار است. این مکتب برخلاف مکتب فرانسه، بر آن عقیده است که برای تطبیق دو اثر ادبی، نیازی به تقارن تاریخی میان آن دو نیست، بدین مفهوم که بدون این‌که مبادله‌ای میان دو اثر صورت گرفته باشد و یا این‌که ارتباطی میان دو نویسنده برقرار شده باشد نیز می‌توان به تطبیق دو اثر ادبی پرداخت. (کفافی، ۱۳۸۲: ۱۴)

پیشینه تحقیق

پیرامون شعر علامه جشی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است، از جمله: الهه سرحدی پور (۱۳۹۶: دانشگاه کردستان) که در رساله خود با عنوان بررسی تطبیقی مدایح نبوی در دیوان علامه الجشی القطیفی و سروش اصفهانی به بررسی مضامین و مفاهیم مدایح نبوی دو شاعر، و وجوه اشتراک و افتراق مدایح دو شاعر پرداخته است. هم‌چنین، رستمی نژاد و کرمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «معرفی

منظومه یوسف و زلیخای آذر بیگدلی (متوفی قرن دوازدهم هجری) و بررسی ویژگی‌های سبک شناسی آن» که در مجله سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) به چاپ رسیده است به شعر آذر بیگدلی پرداخته‌اند. لازم به ذکر است تاکنون پژوهشی مستقل با عنوان فوق صورت نگرفته است. با این حال، در خصوص بررسی سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شعر، آثار مختلفی به صورت کتاب و مقاله در زبان‌های عربی و فارسی انجام شده است از جمله کتاب سیمای امام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در آیین شعر فارسی. (مجاهدی، ۱۳۸۴) موضوع اصلی این تحقیق دامنه‌دار، بررسی ابعاد مختلف شعر مهدوی در زبان فارسی است.

نگارنده برای اولین بار، موضوعات شعر مهدوی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و با عبور از مسیرهای ناهموار و خطر خیز آن، به ارائه انواعی از شعر مهدوی در زبان فارسی توفیق یافته است. سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شعر عربی (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۲۱۰-۲۸۶)، مقاله «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شعر معاصر فارسی و عربی (مطالعه مورد پژوهانه: اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ حسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور)» (خسروی و همکاران: ۱۳۹۲) که به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به شواهدی از اشعار این شاعران، به بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته شده است. حال در این پژوهش برآنیم تا ضمن معرفی این دو شاعر، مضامین مشترک مهدویت و سیمای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در شعر علامه جشی و لطفعلی بیک آذر بیگدلی مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

پردازش تحلیلی موضوع

مضامین مهدوی مشترک در شعر علامه الجشی و آذر بیگدلی

انتظار فرج در اسلام و به ویژه در مذهب تشیع، عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امید به ظهور مبارك آن واپسین حجّت خداوند، آرزوی رسیدن روزگارهایی مستضعفان از چنگال مستکبران، تمام شدن دوران طاغوتیان و فتح و پیروزی نهایی مؤمنان و آغاز حکومت صالحان تا پایان جهان است. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۹۱) در این بخش ضمن بیان شواهد، به برجسته‌ترین مضامین مشترک در شعر این دو شاعر پرداخته شده است.

انتظار

انتظار در اصطلاح، حالتی است که از ترکیب ایمان به خدا و اعتقاد کامل به مبانی دین و اشتیاق و علاقه به ظهور رهبری الهی و آسمانی به وجود می‌آید و در درون شعله می‌کشد و آمال و آرزوهای انسانی و رفتار فردی و اجتماعی وی را دگرگون می‌سازد. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۹۲) در ادبیات دینی مکتب جان‌بخش اسلام، انتظار، مفهومی عمیق، پرارزش و مقدس دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را در زمره زیباترین جلوه‌های عبودیت حق تعالی به شمار آورد. مفهومی که به صورت‌های مختلف به آن اشاره شده است به تعبیر حقیقت انتظار، اتصال به مولا و محبوب است و آثار و برکات سازنده آن در فکر و اندیشه، گرایش‌ها، رفتارهای فردی و اجتماعی نمایان می‌شود. (نوروزی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۱). پیامبر ﷺ انتظار فرج را در شمار برترین اعمال در نزد خداوند سبحان می‌داند:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

برترین اعمال امت من، انتظار رسیدن فرج از خداوند است. (هاشم العمیدی، بی‌تا:

۵۵۷)

انتظار در باور علامه جشی با نوعی بی‌قراری در آمیخته است و شاعر بی‌تابانه به انتظار موعودی است که از پس پرده غیب درآید و با جلوه نورانی خود رنگ هدایت به زندگی او و دیگر منتظران خود بخشد:

مَتَى نَرَى ذَاكَ الْمُحْيَا الْأَنْوَرَ بَيْنَ الْوَرَى بِالْحِجَابِ مُزَهَّرَا
وَأَشْرَقَتْ بِنُورِ رَبِّهَا الثَّرَى مِنْهُ وَعَمَّ الرُّشْدُ وَالْإِرْشَادُ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۴۹)

چه وقت آن چهره نورانی را بدون پرده و آشکارا میان مردم می‌بینیم؟ / و زمین به نور پروردگارش روشنی یافت و هدایت فراگیر شد.

در ابیات فوق شاعر با توجه به ظرفیت نهفته در اسلوب استفهام که به طور مفصل در علم معانی مورد بحث قرار گرفته و معانی مجازی متفاوتی برای آن تعریف شده است، در مفهومی آمیخته با تحسّر از این که این هجران و دوری به طول انجامیده است شکایت می‌کند و از سوی دیگر مفهوم ترجی و امید در استفهام این مضمون را که ای کاش امام از پس پرده غیب برون آید را می‌رساند. وی، در این ابیات از فاصله‌ای که میان منتظران و

آن حضرت افتاده است به حجاب و پرده تعبیر می‌کند پرده‌ای که جزبا ظهور و حضور ایشان کنار نخواهد رفت و آن‌گاه که امام جلوه‌نمایی کند همه چیز رنگ هدایت به خود می‌گیرد. گویا در نبود آن حضرت، از وجود ظلم و بی‌عدالتی، پرده‌ای سیاه زمین را فرا گرفته و سکوتی تلخ حکم فرما گشته است؛ و شاعر با زبانی غم‌بار از دل خونین و گرفته ملت سخن می‌گوید و تمنای ظهور منجی را دارد؛ چرا که در عدالت الهی و همگانی شدن حق و زدوده شدن پرده سیاهی و ظلم را در ظهور آن منجی الهی می‌بیند. مصراع اول دومین بیت، اشاره به آیه شریفه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (زمر: ۶۹) است. در تفسیر قمی ضمن چندین نقل که به مفضل بن عمر می‌رسد، آمده است که امام صادق علیه السلام درباره این شریفه فرمود:

خداوندگار زمین یعنی امام زمین. عرض شد: هرگاه ظهور کند چه می‌شود؟ فرمود: در آن صورت، مردم از نور آفتاب و نور ماه بی‌نیاز می‌شوند و به نور امام اکتفا می‌کنند. (قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۵۳)

در آخر الزمان، فضای حاکم بر امت منتظران به گونه‌ای است که سراسر آن را خفقان می‌گیرد و عرصه خودنمایی ظالمانی است که پیشه بی‌دینی را اختیار کرده‌اند؛ اما پیروان ولایت و یاران واقعی آن حضرت، دست از مبارزه بر نمی‌دارند تا عدالت الهی که سال‌های به انتظارش نشسته‌اند، تحقق یابد و زمین را فراگیرد و پرچم پیروزی حق بر باطل برافراشته شود. در آن روز است که ظالمان از کرده خود پشیمانند و یاری‌گری نیست که آنان را از فرجام بد کارهای شان رها کند و نجات دهد:

عَجَّلْ فَهَأَكُلُ وَلِي يَنْتَظِرَ بِأَنْ يَرَى لَوَاكٍ بِاللَّصْرِ نُشِيرَ
عَمَّهُمُ الْجَوْرُ وَلَا مِنْ مُنْتَصِرٍ مِنْ عُصْبَةِ دِيْنُهُمُ الْإِلْحَادِ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۵۰)

زود! این همه منتظران منتظرند تا برافراشته شدن پرچم پیروزی را ببینند / ستم آنان را از گروهی که دین‌شان بی‌دینی است فرا گرفته و یاوری نیست.

در این هنگام جامعه منتظران انتظار موعودی را می‌کشد که امید تمام منتظران درد کشیده از حکومت ظالمان و طاغوت‌های است؛ کسی که پرچم پیروزی را در برابر این جبّاران زمانه علم می‌کند و تمام مظلومان را زیر لوای خود می‌برد. از سوی دیگر، استفاده شاعر از فعل امر (عَجَّلْ) که به صورت مخاطب بیان شده است، نزدیکی با مخاطب را

می‌رساند و نشان می‌دهد که هر چند امام در جایگاهی بالاتر از وی وجود دارد اما احساس نزدیکی که شخص منتظر با موعود دارد سبب شده تا از ایشان بخواهد تا به این فراق پایان دهد. هم‌چنین، استفاده از اسلوب ندا از شیوه‌هایی است که در اشعار انتظار کاربردی فراوان دارد در این اشعار، شاعر با استفاده از منادا خواسته خود که گاه آمیخته با حزن و اندوه است را بازگو می‌کند، از طرفی غم و اندوه به گونه‌ای شاعر را فرا گرفته است که با تشبیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به امن‌ترین پناهگاه و استوارترین ستون، رهایی از کمند ستم را تنها در وجود منجی عالم بشریت نظاره می‌کند؛ و با خطاب آن حضرت به عنوان فرزند پیامبر، با زبان پراز گلایه و اندوه، از او می‌خواهد که هم‌چون نیاکانش به یاری مستضعفان بشتابد و آنان را از بلایای فراگیر نجات دهد:

مَنْ لَنَا يَا صَاحِبَ الْعَصْرِ إِذَا ضَامَنَا الدَّهْرُ مَالًاذٌ وَعَمَادٌ
فَأَعِثْنَا فَاَلْبَلَاءَ حَلَّ بِنَا يَا ابْنَ طَهٍ وَعَلَيْكَ الْإِعْتِمَادُ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۵۷)

ای صاحب زمان! زمانی که روزگار به ما ستم کرد چه کسی پناهگاه و ستون استوار ماست /؟ پس، ای فرزند پیامبر! ما را یاری کن که بلایا ما را فرا گرفته و تکیه ما به توست. علامه در ابیات فوق با لحنی اندوهگین از این‌که مصیبت‌های روزگار منتظران را فرا گرفته است شکایت می‌کند و با مخاطب قرار دادن امام (یا صاحب العصر، یا ابن طه) از وی طلب یاری می‌کند. آذر بیگدلی در تعبیری مشترک با آن‌چه پیش از این، از اوضاع جامعه منتظر بیان شد، مستمندانه شکایت به جانب حضرت موعود می‌برد و با مخاطب قرار دادن وی از او می‌خواهد از دردهایی که خود ایشان از آن آگاه است پایان دهد و مرحم دل زخم دیده منتظران باشد: بیگدلی که از این همه گرفتاری و مصیبت به تنگ آمده است، با شکوه و شکایت، طلب تسکین دل دردمند و روح زخمی خود را دارد و جامعه پراز بی‌عدالتی را هم‌چون میدانی تصور می‌کند که همه از درد نالانند؛ و تسکین این همه درد را در وصال منجی آسمانی‌ای می‌بیند که پایان‌دهنده هجران و از بین برنده ظلم و سیاهی است.

شها وقت است کز ایوان گذاری پای در میدان

کنی بر دردها درمان نهی بر زخم‌ها مرحم

شکایت‌ها بود در دل، صبورم چون شکیب اولی

حکایت‌ها بود بر لب، خموشم چون تویی اعلم

(آذربئیگدلی، ۱۳۶۶: ۹۸)

وی در ادامه با بیان بی‌تی عربی از این‌که زمین خالی از تقوایپیشگان شده و عرصه خودنمایی ظالمان شده است شکایت می‌کند و از آن حضرت طلب می‌کند که با ظهور خود مردم را از چنگال این ظالمان رها کرده و مرحمت خود را بر آنان ارزانی دارد؛ چرا که یکی از نشانه‌های قیامت، حاکمیت ظلم است؛ به گونه‌ای که خوب و بد در هم آمیخته می‌شود و سیاهی و کفر همه را در بر می‌گیرد؛ و ستم‌کاران بر بی‌نویان ستم روا می‌دارند و مظلومان به درگاه خداوند دست به دعا می‌کشایند؛ تا با فرستادن منجی آسمانی اش ریشه ظلم و ستم را برچینند:

خَلَّتْ أَوْطَانُنَا مِنْ وَجْهِ الْأَتْقِيَاءِ إِطْلَع

غَلَّتْ أَبْدَانُنَا مِنْ نَارِ ظُلْمِ الْأَشْقِيَاءِ إِرْحَم

(همان: ۹۸)

فضای خفقان‌آلود و شرایط سخت حاکم بر جامعه باعث شده است که شاعران نتوانند به وضوح کلام خود را بر زبان جاری سازند و از ترس جور و ظلم حاکمان، با استفاده از صور بلاغی زیبا هم‌چون تشبیه، استعاره، کنایه و... هنرنمایی خود را در قالب شعر به نمایش گذاشته‌اند؛ بررسی‌ها از ابیات انتظاری دو شاعر نشان می‌دهد که رنگ حزن و عاطفه قوی و ویژگی مشترک در میان هر دو شاعر است؛ از سوی دیگر استفاده از لحن خطاب و نیز اسلوب منادا که ویژگی مشترک تمام اشعار از دیگر نکات یکسان در شعر آنان است.

حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشريف ختم ولایت

حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشريف آخرین ذخیره الهی و ادامه مسیر ولایتی است که به ایشان

ختم می‌شود:

خاتم اولیاء تابع حکم شرع است چنان‌که مهدی عجله الله تعالی فرجه الشريف که در آخر زمان می‌آید در احکام تابع شریعت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، اما در معارف و علوم حقیقی همه انبیاء و اولیا تابع اوست، زیرا باطن او باطن حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. به این دلیل

گفته شده که او حسنه‌ای از حسنات سید مرسلین است. (قاسانی، ۱۳۷۰: ۴۳)

علامه در مولودیه خود در وصف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به منتظران بشارت موعودی را می‌دهد که حجت و ولایت خداوندی به او ختم می‌رود و راه انحراف را به سمت مسیر هدایت سوق می‌دهد امامی که ظهورش هم چون فرج و گشایشی در کار مردم است و واسطه‌ای برای رخت بر بستن ظلم و ستم است: گویا اعتقاد مسلمین به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باعث شده است که راه نجات و رهایی از مشکلات را فقط در ظهور وی بینند و وی را کاشف تمام مشکلات بدانند. امامی که وجودش زداینده مشکلات و گشاینده نعمت‌های الهی است و راه حقیقی و دروازه‌های وصول به حق و حقیقت را به روی چشمان مؤمنان می‌گشاید.

بُشْرَى بِمَنْ قَدْ خُتِمَتْ بِهِ الْحُجُجُ وَمَنْ يَزِيلُ عَنْ هُدَى الْهَادِي الْعِوَجِ
 وَمَنْ بِهِ الْمُؤْمِنُ يَدْرِكُ الْفَرَجَ لَا ظُلْمَ يَعْزُوهُ وَلَا اسْتِعْبَادُ

(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۴۷)

بشارت باد به کسی که حجت‌ها براو ختم می‌شود و کسی که از راه هدایت کجی و انحراف را برمی‌کند / و به کسی که مؤمن به وسیله او به فرج می‌رسد و نه دچار ظلم و نه بهره‌کشی می‌شود.

پیامبران و امامان همواره در طول تاریخ ادامه‌دهنده راه حق و جبهه‌گیرندگان در مقابل نا عادلانی بودند که با بی‌عدالتی پایه‌گذار ظلم و ستم بوده‌اند؛ تک‌بیتی از مدحیه زیبای آذر بیگدلی در وصف صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان می‌دهد که وی نیز از این امر غافل نبوده است و همان‌طور که خاتمیت نبوت را مختص پیامبر می‌داند، امام را نیز پایان‌بخش مسیر ولایت و هدایتی می‌شمارد، که با ریشه‌کن کردن درخت بی‌عدالتی، حکومت الهی خود را در زمین حکم فرما می‌کند.

ولایت بر تو ختم آمد نبوت بر شه‌ی ثرب تورا در خنصر است او را بدی گردد در کتف

(آذربئیگدلی، ۱۳۶۶: ۹۹)

خورشید پنهان

در موارد متعددی غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خورشید پشت ابر تشبیه شده است؛ تعبیری که به حدیثی مبارک از خود حضرت، برمی‌گردد که در آن می‌فرمایند:

چگونگی استفاده از من در غیبت، مانند استفاده خورشید است هنگامی که ابرها آن را می پوشانند. (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۴۸۵)

با نگاه به شواهدی از شعر دو شاعر در می یابیم که هر دو در تعبیر خود از غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، عدم حضور ایشان را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده اند؛ به اعتقاد علامه جشی هر چند آن حضرت از دیدگان مخفی است اما این امر به هیچ وجه منتظران و عاشقان حقیقی ایشان را به شک نمی اندازد؛ چرا که در پرده بودن امام همانند زمانی است که خورشید در پشت ابر قرار می گیرد در این حالت گرچه خورشید از دیدگان پنهان است اما برکات آن به مردم می رسد؛ پس این دوری و عدم حضور به هیچ وجه منافی فیوضات آن حضرت نیست و انوار هدایت ایشان در قلب های مؤمنان می درخشد: در واقع علامه در این ابیات بر آن است که پرده شک و تردید را از دیدگان ملت بزدايد و ظهور حضرت را برای دوستداران ولایت و پیروان راستین آن حضرت حتمی جلوه دهد؛ چرا که در عصر غیبت شک و تردید امری بدیهی است و غلبه بر این شک امری دیگر. بنابراین شاعر دوستدار اهل بیت، بار دیگر با ذوق و قریحه بی نظیرش و با تشبیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف به خورشید فروزان و تناسب میان ابرو و نور و خورشید، تصویری زیبا برای خواننده خلق می آفریند؛ تا بگوید که همان گونه که خورشید از پشت ابر نمایان می شود و زمین را جانی دوباره می بخشد، منجی موعود نیز سر می رسد و پرده جهل و سیاهی را کنار می زند و در مقابل همگان آشکار می شود:

إِنْ غَابَ عَنْ أَعْيُنِنَا فَالْقَلْبُ لَا يَعْتَرِيهِ بِالْحِجَابِ الرَّيِّبِ
فَالشَّمْسُ لَا تُخْفِي سَنَا الشُّحْبِ وَفِي الْقُلُوبِ نُورٌ وَقَادِ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۴۸)

اگر از چشم های مان پنهان شود قلب را پرده ای از شک نمی گیرد / چرا که نور خورشید پشت ابر مخفی نمی ماند و در قلب ها نور روشنی وجود دارد.

آذر بیگدلی نیز بر این باور است که امام چون خورشید پنهان است هر چند از دیده نهان است اما انوار هدایت او به همگان می رسد: وی نیز به رسم شاعران دوستدار ولایت، در وصف پیشوای مسلمین لب به سخن می گشاید تا اشعارش را با یاد منجی پرفیض و برکت غالم بشریت مزین کند. خورشید تابان اشعار بیگدلی که بنا بر مصلحت نهان مانده است، روزی جلوه می کند تا بر عالم گیتی نور هدایت و روشنی افکند؛ و چون

خورشیدی تابناک عالم نمایان شود، اه مظلومان به شادی هدایت شدگان بدل شود و پرچم پیروزی حق برافراشته گردد.

چو خور کز روشنی سازد جهان روشن، نمی بینی

که باشد روشنی ده گربود در ابرپنهان هم

ولی دارد دوروزی مصلحت رخ نهان، تا خود

جهان از دود و آه مظلومان شود منظم

سمند فتح تازد جهان از ظلم پردازد

زبطحا رایست افرازد ظفربررایتش پرچم

(آذر بیگدلی، ۱۳۶۶: ۹۸)

شاعر می افزاید که غیبت امام بدین جهت است که شرایط ظهور فراهم گردد و همان طور که در بندهای بعدی اشاره می شود یکی از دلایلی که امام را به ظهور نزدیک می کند شیوع ظلم است.

مدینه فاضله

«مدینه فاضله» یا «آرمان شهر» از نظر مفهومی به جامعه آرمانی و ایده آل انسان گفته می شود که ویژه مکانی خاص نیست. در واقع مدینه فاضله هر جایی است که در آن جا همه مردم با نیک بختی و سعادت در کنار یکدیگر در صلح و آرامش به سر می برند، جایی که در آن جا از ظلم و فساد اثری نیست. (زمانی محجوب، ۱۳۹۴: ۱۳۳) ستون استوار مدینه فاضله مهدوی، برقراری امنیت همه جانبه بر معنای ایمان در جامعه است، به گونه ای که جان و مال و حیثیت افراد از تجاوز در امان باشد. (همان: ۱۳۶) پیامبر ﷺ می فرماید:

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ يَرْسُلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ بَنَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ؛

امت من در زمان مهدی چنان در فراخی معیشت به سربرند که هیچ گاه پیش از آن ندیده باشند آسمان پی در پی برکات خود را برای آنان فرومی ریزد و زمین آنچه دارد بیرون می دهد. (صدوق، ۱۳۸۶: ۳۴۶)

عصر ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف در نظر جشی، عصری است که پیش از آن نظیرش در

سراسر زمان‌ها و دوران‌ها نبوده است و هیچ رنگی از گناه و معصیت در آن دیده نمی‌شود؛ روزگاری که عرصه‌ای برای خودنمایی جباران و طاغوت وجود ندارد: ترسیم مدینه فاضله آرزوی هر مسلمانی است که از رنج مظلومان در عذاب است؛ بیگدلی که از زمانه نالان است، چنین آرزویی را در سر می‌پروراند و به انتظار تحقق آن عاجزانه شعر می‌سراید؛ عصری که شاعر رویای آن را در سر می‌پروراند، نه چرخ گردون به خود دیده و نه بشر طعم شیرینش را چشیده؛ روزی که غبار غم از قلب‌ها زدوده می‌شود و تیرگی دل‌ها به هلهله و شادی جسم و روح بدل می‌شود.

فَعَصْرًا لَمْ تُشَبِّهْهُ الْأَعْصَارُ مِنْ حِينَ دَارَ الْفَلَکُ الدَّوَارُ
مُبَارَكٌ لَا يَشْبَهُهُ أَكْدَارُ أَيَّامُهُ جَمِيعُهَا اَعْيَادُ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۴۹)

عصری که شبیه دوران‌ها از زمانی که چرخ گردون گردیده است، نیست / مبارک است و شبیه روزگاران تیره آن نیست و روزگار آن جمله عید است.

شاعر در این ابیات به دنبال آن است تا با تعبیر خود جلوه‌ای تمام‌نما از حکومت مهدوی نشان دهد که پلیدی‌ها راهی به آن ندارد و چون اساس آن را عدالت و برابری تشکیل می‌دهد جایی برای ظالمان نیست؛ به تعبیری این همان جامعه‌ای است که از ابتدای تاریخ بشر در انتظار آن بوده است و این امر با ظهور امام محقق شده است. شاعر در ادامه با استناد به سوره عصر بیان می‌کند که مقصود خداوند در این سوره از «العصر» عصر ظهور امام موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ است:

عَصْرُ بِهِ اللَّهُ الْعَظِيمُ أَقْسَمًا فِي سُورَةِ الْعَصْرِ لَهُ مَعْظَمًا
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۴۹)

عصری که خداوند بزرگ مرتبه در سوره عصر به آن قسمی بزرگ خورده است.

در پاورقی صفحه و در شرح این بیت از علامه آمده است که: در *اکمال الدین* روایتی از مفضل بن عمر آمده است که گفت: «از جعفر بن محمد در مورد این گفته خداوند *﴿وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾* پرسیدم و گفت «العصر: عصر امام قائم است». مدینه فاضله مهدوی در نگاه لطفعلی بیگ، جایی است که رکن و پایه آن عدالت است؛ جایی که ضعیفان زمین مورد لطف قرار می‌گیرند: یعنی همان زمانی که درماندگان مورد لطف قرار می‌گیرند و بی‌عدالتی رخت بر می‌بندد و بساط ظالمان برچیده می‌شود؛

هستی دگرگون شود وزورگویان و بدکاران محتاجانه دست به دامان مظلومان شوند تا شاید از تیر خشم ستمدیدگان و بی‌نویان در امان بمانند.
تو آن عاجز‌نوازی کز جلالت شحنه عدالت

به جبهه آورد چون چین به حاجب افگند چون خم
صعاری را در حلقه چشم شاهین
غزلان را بود روز و شبان از پی شبان ضیغم
ضعیفان را در ایام تو آرام است و از بآست

کند گرگ از برّه، شاهین ز تیهوشیراز آهورم
(آذربیکدلی، ۱۳۶۶: ۱۰۰)

در جهان مهدوی آذربیکدلی همه چیز رنگ آرامش دارد و هیچ چیز را از ضد آن در گریز نیست؛ آنان را که زیر ستم طاغوت بودند آزاد و رها هستند.

شیوع ظلم و کفر

در روایات بسیاری آمده است که پیش از ظهور امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف و به ویژه نزدیک به ظهور او، حتی در جوامع اسلامی فسق و فجور و انواع گناهان و زشتی‌ها رواج کامل خواهد و ظلم و ستم عمومی خواهد شد. از جمله این‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً» خداوند به وسیله ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف زمین را پراز عدل و داد می‌سازد، پس از آن‌که از ظلم و ستم پر شده باشد. از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نقل شده است که:

علامة ظهوری کثره الهرج والمرج والفتن...؛

نشانه آشکار شدن من زیاد شدن هرج و مرج و فتنه‌ها و آشوب‌ها است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۲۰)

بنابراین در بیشتر منابع بر شیوع ظلم پیش از ظهور آن حضرت تأکید شده است. آذر بیگدلی در ضمن یکی از مداخل مهدوی خود با اشاره به این موضوع بیان می‌دارد که روزی که جهان سرشار از ظلم و ستم شده و همه چیز رنگ سیاهی به خود گیرد موعودی پا به عرصه می‌نهد و بر تخت حکومت می‌نشینند و با حکومت عادلانه‌اش جهان خرم و آباد می‌گردد؛ یعنی روزی که هرج و مرج دنیا را فرا می‌گیرد و سیاهی بر زمین نقش می‌بندد

و پرده ظلمت و سیاهی به روی آن کشده می‌شود. رنگی که هم چون زلف پریشان و سیاه در هم ریخته است؛ اما در اوج آشفتگی شاه شاهان بر زمین می‌نشیند و جهان از عدالتش سرشار می‌شود:

به اجماع ملل، روزی که در آخر زمان گردد

زمین چون زلف خوبان تیره و آشفته و درهم

نشیند بر سریر سروری، شاه فلک حامی

که از عدلش جهان گردد چوروی نوخطان خرم

ضعیفان را در ایام تو آرام است و از باست

کند گریز از برّه، شاهین ز تیهوشیراز آهورم

(آذربیکدلی، ۱۳۶۶: ۹۷)

پاسخگویی به دو شبهه مهم

هرچه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر به طول می‌انجامد شبهاتی برای آنان که در ایمان خود دچار ضعف شده‌اند به وجود می‌آید. مسئله طول عمر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از وجوه اختلافی است که در وادی مهدویت به وجود آمده است. برای این اساس، عده‌ای بر این باورند که چنین امکانی وجود ندارد که عمر آن حضرت تا این اندازه به درازا بکشد. علامه طباطبایی از مسئله «طول عمر» به عنوان «خرق عادت» یاد کرده، می‌نویسد:

نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت می‌توان پذیرفت. البته خرق عادت، غیر از محال است و از راه علم، هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۵۱)

خواجه نصیرالدین طوسی در این باره می‌گوید:

طول عمر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق افتاده و محقق شده است؛ چون چنین است؛ بعید شمردن طول عمر در مورد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهل محض است. (حکیمی، ۱۳۸۸: ۲۱۴)

علامه طباطبایی در *المیزان* ابراز می‌دارد که:

هیچ قاعده و برهان عقلی وجود ندارد که بر محال بودن طول عمر دلالت کند. به همین جهت نمی‌توانیم، طول عمر را انکار کنیم. (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۳۸۲)

علامه جشی در ابیاتی چند به این موضوع پرداخته است:

عَجَباً لِلأُولَى ادَّعُوا أَنَّهُ فِيهِ مَحَالٌ بِأَنْ يَطْوَلَ الْبَقَاءُ
 جَهْلَ الْقَوْمِ قُدْرَةَ اللَّهِ حَتَّى قِيلَ جَهْلًا بَأَنَّنا أَعْبياءُ
 لَيْتَ شِعْرِي هَلْ يَنْكُرُونَ بَقَا الخِضْرِ وَعِيسَى أَمْ قَوْلُهُمْ إِغْرَاءُ
 وَالْبَقَاءُ ثَابِتٌ لِإِبْلِيسَ وَالذِّ جَالِ مِنْهُمْ وَلَيْسَ فِيهِ مِرَاءُ
 (علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۵۶)

عجبا از کسانی که در مورد او ادعا کردند که امکان طول بقا محال است / این گروه قدرت خداوند را نادیده گرفتند تا جایی که از روی نادانی گفته شد که ما احمق هستیم / ای کاش می دانستم که آیا آنان بقای خضر عليه السلام و عیسی عليه السلام را انکار می کنند یا فریب است؟ / بقای عمر برای ابلیس و دجال اثبات شده است و در آن شکی نیست.

شاعر که از اعتقاد مخالفان امام عصر عليه السلام پرده برمی دارد، ظن و گمان واهی آنان را دشمنی با خداوند و جهل نسبت به قدرت خداوند می پندارد و کسانی که منتظران ظهور را نادان تصور می کند، به اندیشیدن در سرگذشت پیامبران پیشین چون خضر و عیسی عليه السلام سوق می دهد. وی با تعجب به افکار گمراهان، از آنان می پرسد که چگونه ممکن است که ابلیس و دجال را طول عمر باشد و این حقیقت در مورد انبیای الهی گمانی واهی باشد.

وی با تعجب از کسانی که ادعا می کنند که امکان طول عمر امام وجود ندارد معتقد است که اینان نسب به قدرت الهی نادان اند؛ علامه برای اثبات باور خود با استفهامی تقریری مخالفان این باور را به چالش می کشد و اشاره می کند اگر طول عمر مهدی موعود عليه السلام امکان پذیر نیست پس چگونه به بقای خضر عليه السلام و حضرت عیسی عليه السلام باور دارید؟ وی در ادامه بیان می دارد که بقا و طول عمر برای ابلیس و دجال نیز اثبات شده است پس جای هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. شاعر در مدحیه ای دیگر امام مهدی عليه السلام را از نسل محمد صلى الله عليه وآله و خاتم حجت های الهی دانسته است؛ علامه بار دیگر عقیده کسانی که معتقدند امکان طول عمر آن حضرت امکان ندارد از باقی ماندن حضرت عیسی عليه السلام و حضرت خضر عليه السلام و نیز باقی ماندن ابلیس و دجال سوال می کند؛ علامه دگر بار به دیده نصیحت طول عمر پیامبران پیشین را به رخ مخالفان می کشد تا

برایشان نمایان سازد که حجت خداوند و ادامه دهنده راه خاتم انبیاء محمد مصطفی ﷺ در پرده نهان است و طول عمرش قابل تصور است؛

هُوَ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ أَحْمَدَ وَخَاتَمُ آلِ اللَّهِ مِنْ حُجَجِ الْبَارِي
فَمَا لِلنَّاسِ أَنْكَرُوهُ تَعَلُّلاً بِأَنْ لَيْسَ يَبْقَى الْمَرْءُ عِدَّةَ أَعْصَارِ
فَكَيْفَ بَقَاءُ الرُّوحِ وَالْخَضِرِ جَوَّزُوا وَإِبْلِيسَ وَالذَّجَالَ مِنْ دُونِ انْكَارِ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۴۸)

او مهدی قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ از خاندان محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پایان بخش حجت های خداوندی باری تعالی است / پس چه شده است مردمی را که از روی بهانه او را انکار کرده اند به خاطر این که انسان چند عصر زنده نمی ماند / پس زنده ماندن روح (حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ) و خضر عَلَيْهِ السَّلَامُ چگونه است که بدون انکار بیان شده است؟

آذر بیگدلی در مضمونی مشابه با آن چه پیش از این ذکر شد به دو شبهه مهم پیرامون آن حضرت اشاره می کند؛ وی نیز بر این باور است طول عمر امام به مانند بقای عمر حضرت خضر عَلَيْهِ السَّلَامُ است پس همان طور که این قضیه اثبات شده است جایی برای این شبهه باقی نمی ماند؛ افزون بر این، شاعر این مسئله را به قاعده لطف الهی مرتبط می داند؛ چرا که بر اساس این اصل امکان این که خداوند زمین را از حجت خود خالی کند وجود ندارد؛ بیگدلی نیز هم چون علامه از وجود خضر و پیامبران پیشین بهره می گیرد و ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ را لطفی از طرف ایزد منان به بندگان قلمداد می کند؛ و کتمان حق و حقیقت را نیرنگی شیطانی می داند که وجود انبیای پیشین این شک و شبهه را می زداید.

همانا در حیات او دو شبهه راه ایشان زد

که هریک زان دو با وسواس صد شیطان بود منضم

یکی این، کآدمی را نیست مقدور آنقدر جنبش

ولی گشت از حیات خضر حلّ این شبهه محکم

ندانند این که هر چیزی وجود او بود لطفی

ظهورش نیز لطفی دیگر است از ایزد اکرم

(آذر بیگدلی، ۱۳۶۶: ۹۷)

هم چنین، آذر بیگدلی برای اثبات شبهه ای دیگر که همانا حفظ جان امام به داستان

انداختن گهواره حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ توسط مادر ایشان به دریا اشاره می‌کند ﴿أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْذِفِهِ فِي السَّيِّمِ فَلْيُلْقِهِ السَّيِّمُ بِالسَّاحِلِ﴾ (طه: ۳۹). وی برای اثبات وجود منجی موعود، دائماً از داستان پیامبران و کلام خداوند چون قرآن بهره می‌گیرد؛ چرا که به اعتقاد وی کلام خداوند محقق می‌شود و همان‌گونه که کودکی از خطرات مرگبار می‌گذرد و بساط شرک و بت پرستی در در هم می‌شکند، فرستاده خداوند هم سر می‌رسد و عالم را از وجود جور و ظلم پاک می‌سازد.

چنان کزهاتف غیب آمد از فرعونیان پنهان

به گوش مادر موسی ندای فاقذفی فی السیم

(آذربئیگدلی، ۱۳۶۶: ۹۹)

به عقیده وی همان‌طور که خداوند جان عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را نجات داد جان امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى را نیز به شیوه‌ای غیر قابل تصور نجات می‌دهد.

گسترش عدل

عدالت، گمشده آدمی در طول تاریخ و رسالت همه انبیاء و اولیاست. به وسعت تمام تاریخ حیات بشر، انسان همواره در انتظار دنیایی خالی از جور و ستم و سرشار از عدالت بوده است؛ و این امر از فطرت انسانی که ذاتاً به عدالت میل دارد سرچشمه می‌گیرد. همواره در میان عموم انسان‌ها اعتقاد بر این بوده است که با ظهور منجی آخرالزمان، مدینه‌ای فاضله شکل می‌گیرد اثری از کوچک‌ترین ستمی در آن دیده نمی‌شود و همه چیز در آن جا در ترازوی عدل قرار می‌گیرد. در حقیقت شیرین‌ترین میوه انقلاب عالم‌گیر امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى، عدالت است؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره ظهور آن حضرت و برپایی عدل در حضور آن حضرت، فرموده‌اند:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا؛

زمین را آکنده از قسط و عدل می‌سازد، همان‌گونه که از ظلم و جور پرگشته باشد.

(صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۲، ب ۲۵)

افزون بر این، از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است که:

خداوند زمین را به دست قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ از هر ستمی پاک و از هر ظلمی پاکیزه سازد آن‌گاه

که او قیام کند ترازوی عدل را در میان مردم نهد و بدین گونه هیچ کس نتواند به

دیگری ستمی کند. (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۳۷۲)

امام صادق علیه السلام نیز درباره استقرار عدل و دادگری امام عصر علیه السلام و در زمان قیام و ظهور و حکومت شان این چنین بیان می‌کنند:

پس آگاه باشید! به خدا قسم که قائم علیه السلام عدالت را به درون خانه‌های مردم وارد می‌سازد. چنان‌که سرما و گرما وارد خانه‌های آنها می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۳۶۲)

علامه جشی نیز نوید ظهور امامی را می‌دهد که با آمدنش فساد و تباهی رخت بر بسته و عدالت جای آن را می‌گیرد؛ به شاعر این مهم پس از زمانی که جهان سراسر بلا می‌شود روی می‌دهد:

سَيِّدُ يَمْلَأُ الْبَسِيطَةَ عَدْلًا لِبَسَاطِ الْفَسَادِ فِيهِ انْطِوَاءٌ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۴۸)

سروری که بساط زمین را از عدل پر می‌کند که بساط فساد از آن بر چیده می‌شود. آذر بیگدلی نیز در تعبیری مشابه بر این باور است که حضور پر مهر امام بزرگوار جهان مظلومان را سراسر شادی گردانده و از حضور ایشان دشمنان دین در محنت قرار می‌گیرند. امام همان کسی است که بذر بخشش و درخت عدالت را می‌کارد و جهانی سراسر برابری تشکیل می‌دهد: بیگدلی شاعر دوستدار اهل بیت علیهم السلام با هنرنمایی خود و استفاده از آرایه‌های زیبای بلاغی هم چون سجع و جناس و تناسب و تضاد میان کلماتی چون شادی و و عشرت و محنت و ماتم، تسلط و هنرنمایی خود را در قالب شعر در راه خدمت به اهل بیت علیهم السلام به کار می‌گیرد و یادآور می‌شود که وجود پیشوای مؤمنان، سرشار از برکت است و با آمدنش نهال جود و بخشش، بذر کینه و دشمنی را برمی‌چیند و جهان را غرق در سرور و شادی می‌کنند.

شه دین مهدی هادی که باد او را به هرودی

ولی در عشرت و شادی عدو در محنت و ماتم

نهال جود را غارس، دیار عدل را حارس

سمن فتح را فارس حریم قدس را مرحم

(آذربئیگدلی، ۱۳۶۶: ۹۶)

وجوه افتراق مضامین مهدویت در شعر «علامه جشی» و «آذر بیگدلی»

با نگاه به اشعار مهدوی دو شاعر، در کنار مضامین مشترک آنان برخی از موضوعاتی دیده می‌شود که جلوه‌ای متمایز به اشعار ایشان داده است. در این بخش به ذکر وجوه افتراق آنان اقدام نموده ایم.

میلااد امام

عموم شیعیان بر مسئله ولادت امام اجماع نظر دارند و در این میان کمتر کسی را می‌توان یافت که کوچک‌ترین تردیدی در این باره داشته باشد. این باور در جای جای آثار شیعه از کهن‌ترین آنها تا دوره‌های کنونی انعکاس یافته که تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را نیمه شعبان سال (۲۵۵) دانسته‌اند. (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۵۱۴) هم‌چنین، طباطبایی در کتاب خود با عنوان شیعه در اسلام بیان می‌دارد:

حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، فرزند امام یازدهم که اسمش مطابق اسم پیامبر صلی الله علیه و آله بوده در سال دویست و پنجاه و شش و یا دویست و پنجاه و پنج در سامراء متولد شدند. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۰۶)

در عقاید امامیه به هنگام معرفی عقاید شیعه، یکی از آن باورها را ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی می‌کنند و بدین سان می‌توان گفت یکی از مشخصات شیعه نزد سنیان، اعتقاد به متولد شدن امام است. (مظفر، ۱۳۸۵: ۲۸۹-۲۹۰) برخلاف اشعار مهدوی که در مضامین استنهایسی سروده می‌شوند و رنگ غالب آنها حزن و اندوه از هجران و فاصله‌ای است که میان منتظران و امام موعود عجل الله تعالی فرجه است، مولودیه‌هایی که در وصف امام سروده شده است رنگ شادی و مسرت دارند؛ علامه جشی در چندین قصیده و قطعه کوچک به این موضوع پرداخته است:

تَمَّ الْهَنَاءُ وَاسْتَبَشَّرَ الْأَمْجَادُ وَحَقُّ أَنْ تُتَّخَذَ الْأَعْيَادُ
فَقَائِمُ الْأَطْهَارِ مَنْ قَدْ شَادُوا زُبْعَ الْهُدَى كَأَنَّ لَهُ مِيلَادُ
بُشْرَى فَإِنَّ نَاصِرَ الْهُدَى وَوَلَدُ بُشْرَى بِمَنْ يَبْضَحُ مِنْهَا جِ الرَّشْدِ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۴۷)

شادی تکمیل شد و بزرگی‌ها شادمان گشتند و شایسته است که اعیادی برپا شود / و روز تولد قائم پاکانی است که منزلگاه هدایت را برپا کردند / بشارت باد که یاریگر هدایت زاده شد بشارت باد به کسی که راه هدایت را روشن می‌کند.

علامه با طبع شعری بی نظیرش تولد شادی بخش امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که شادی بخش زندگی مسلمین است را به تصویر می کشد و به دنیا آمدن پیشوای مسلمین را به همگان بشارت می دهد؛ چرا که به اعتقاد شاعر با آمدنش جایگاه هدایت بنا می شود و شادی مسلمین تکمیل می شود و راه هدایت در مقابل دیدگان نمایان شد؛ واژگانی هم چون (الهناء، استبشر، أعياد، میلاد، بشری) به خوبی احساس شادی شاعر از میلاد امامی که به باور وی رکن و اساس هدایت است و تعبیر او از این روز به عید را نشان می دهد؛ عیدی که در آن اساس هدایت به دنیا آمده است و مژده به منتظران است که ایشان راه هدایت را پایه گذاری خواهد کرد.

ضرورت وجود پیشوای الهی

انسان برای گام نهادن در مسیر هدایت و کمال در خود احساس نیاز به امام و پیشوایی معصوم می کند که با وجود او امکان رسیدن به سر منزل مقصود وجود داشته باشد. از این رو، این گونه به نظر می رسد که در اوضاع کنونی عالم، امکان رسیدن جوامع به کمال در گرو ظهور منجی یگانه ای است که با قدرت الهی تمام بشریت را با ظهور خود و انقلاب جهانی خود به فلاح و رستگاری سوق می دهد. همان طور که گفته شد طول زمان غیبت سبب به وجود آمدن شبهاتی در میان مردم می شود از جمله آن که آیا ضرورتی برای وجود امام موعود وجود دارد یا خیر؟ از جمله روایات و احادیثی که بر تداوم وجود عترت پیامبر ص و حجت پس از وی تأکید دارد، حدیث مبارک ثقلین است:

...إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي
عِزَّتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَّغْتُ إِيَّاكُمْ سَتَرِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي
الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي (کلینی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۲۹۴).

خداوند سبحان از انسان به اشرف مخلوقات عالم یاد کرده است و بر اساس قاعده لطفی که در بخش های پیشین به آن اشاره شد امکان این که خداوند آدمی را به حال خود رها کند وجود ندارد؛ جشی در بخش هایی از یکی از سروده های مهدوی خود ضمن اشاره به این که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را به پایان بخش حجت های الهی معرفی می کند به این مسئله اشاره می کند که بر اساس عقل امکان این که خداوند جهان را بی جانشین رها کند وجود ندارد؛ به عقیده وی در این صورت بشر هم چون گله ای رها شده به سمت درندگان است که هیچ سرپرستی ندارد از این رو امکان عدم وجود حجت الهی وجود ندارد علامه با تعجب

در رد عقیده کسانی که جهان را بدون منجی و بدون سرپرست جلوه می دهند، شعر می سراید و با خود سخن می گوید؛ که چگونه ممکن است که جهانی باشد و سرپرستی نباشد در حالی که به وجود حجت الهی در روی زمین مژده داده شده است.

كَيْفَ لَا وَهَوْخَاتِمُ الْحُجَجِ الْعُرِّ وَلَوْلَاهُ لَأَسْتَحَالَ الْبَقَاءُ
أَوْ هَلْ جَاؤَفِي الْعُقُولِ اِنْتِظَامُ الْمُلْكِ أَنَا وَلَمْ تُكُنْ أَمْرَاءُ
أَوْ شِيَاءٌ سَيَقْتَبِ بِيَادِي سِبَاعِ لِحَاكِمِيْمٍ وَلَيْسَ فِيهَا رِعَاءُ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۵۴)

چگونه نه؟ در حالی که او پایان بخش حجت های درخشان است و اگر او نبود بقا امکان پذیر نبود. / آیا از لحاظ عقلی برپایی جهان بدون امیر و جانشینان جایز است؟ یا گوسفندانی که به درّه دزدگان سوق داده می شوند، درحالی که چوپان و سرپرستی ندارند.

شاعر با انکار عقیده مخالفان، وجود آخرین حجت خداوند را پایان دهنده راه و هدایت گر گمراهان جلوه می دهد و غیبت وی را مانع قدرت حق تعالی و هدایت نمی داند؛ چرا که وجود غیبت امری است الهی و زمینه ساز حضور برای هدایت بندگان. وی در بیانی خطابی و به وسیله استفهام از این که امکان رها کردن زمین بدون حجت الهی سوال می پرسد و خود در پاسخ می گوید که مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهْنَا لِنُرِيَهُ حجت خداوند است اما از دیده نهان است؛ با این حال غیبت او هیچ منافاتی با مأموریت الهی او ندارد:

أَتَرَى الْجَبَّارِ يَخْلِي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَا يَتْرُكُ الْخَلْقَ حِيَارِي
فَهَوَالِ حُجَّةٍ مَنْ قَدْ خْتَمَتْ حُجَجُ اللَّهِ بِهِ لَكُنْ تَوَارِي
لَا تَخْلُ غَيْبُهُ تَمْنَعُ عَنْ فِعْلِهِ مَا شَاءَ فِي الْكَوْنِ اِقْتِدَارَا
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۵۲)

آیا معتقدی که خداوند قادر زمین را از حجت خالی می گذارد؟ حال آن که خداوند آفریدگان را سرگردان رها نمی کند / او همان حجت است که حجت های خداوند به او پایان یافته است اما از دیدگان نهان است / گمان مکن که غیبت او مانع آن چه از قدرت او در آن چه از جهان می خواهد، می شود.

هم چنین شاعر در ابیاتی دیگر به این نکته اشاره می کند که خداوند از این که جهان را بدون جانشین بگذارد پرهیز کرده و براساس حکمت خود مقدر نموده است که پس از

غیبتی چند با شمشیر بران دین الهی را زنده کند: در واقع شاعر به این نکته اشاره کرده است که عصر ظهور عصری است که حق به وسیله شمشیر بر باطل پیروز می‌شود و سرشار از جگ و خونریزی است؛ و عصری است که شمشیر میان جبهه حق و باطل، زمینه هدایت را فراهم می‌کند:

أَبَى اللَّهُ إِخْلَاءَ أَرْضِهِ مِنْ خَلِيفَةٍ إِلَى الْخَلْقِ هَادٍ وَهُوَ بِاللَّهِ مُهْتَدِي
قَضَى اللَّهُ أَنْ يَحْيِيَ الْهُدَى بِظُهُورِهِ عَقِيبَ إِسْتِتَارٍ بِالْحَسَامِ الْمُهْتَدِ
(علامه جشی، ۲۰۰۳: ۳۶۰)

خداوند پرهیز کرد از این که زمینش را از جانشینی هدایت‌گر برای مردم خالی گزارد که به وسیله خداوند هدایت شده است / خداوند حکم نمود که پس از غیبتی با ظهور به وسیله شمشیر برانش هدایت را زنده کند.

نابودی دجال

این مسئله در متون اسلامی نیز وجود دارد. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: به خدا سوگند به زودی بر مردم روزی فرا می‌رسد که مردم نمی‌دانند توحید چیست تا این که دجال می‌آید. در این هنگام عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نازل می‌شود و خداوند به دست وی دجال را به قتل می‌رساند.

البته لازم به ذکر است در برخی روایات کشتن دجال را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده‌اند.

کنی دجال، تا غرق نیل چون قبطی به افنای تو، روزی چند، زال چرخ شه ملهم
(آذربئیگدلی، ۱۳۶۶: ۹۸)

نام‌گذاری

همه ادیان معتقدند که در پایان هر دوره‌ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می‌رود و چون طبعاً در حال هبوط و دوری از مبدأ است و مانند احجار به سمت پایین حرکت می‌کند، نمی‌تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط اخلاقی و معنوی خاتمه دهد. پس ناچار روزی شخصیتی معنوی بلند پایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می‌گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم، نجات خواهد داد. در این مورد در تعالیم هردینی به صورت رمز به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین‌های دیگر توافق و هماهنگی دارد. (حکیمی،

یهودش داند از نسل یهودا، ماشیع نامش
 مجوسش زاده زردشت، و ترسا زادهٔ مریم
 مسلمانش شمارد فاطمی یکسر، ولی زیشان
 همی گویند فوجی کان گهر باشد همان دریم
 (آذربیکدلی، ۱۳۶۶: ۹۷)

نتیجه‌گیری

«مهدویت» از مهم‌ترین باورهای اعتقادی شیعه است که زیباترین نمود خود را در شعر یافته است. شاعران متعهد شیعی در ادب فارسی و تازی، با بهره‌گیری از مفاهیم اعتقادی مهدویت، جلوه‌ای خاص به اشعار خود بخشیده‌اند. «علامه جشی» و «لطفعلی بیگ آذربیکدلی» از شاعران در این دو ادب هستند اشعار زیبایی در این عرصه خلق کرده‌اند. بررسی‌ها از اشعار مهدوی این دو شاعر نشان می‌دهد که:

۱. «انتظار» بارزترین مفهوم مهدوی مشترکی است که در اشعار این دو شاعر به چشم می‌خورد و هر کدام با تعبیری تقریباً یکسان به آن پرداخته‌اند؛
۲. در نگاه هردو شاعر، ظهور و حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، همراه با برپایی عدالت است؛ از این رو با تجلی امام ریشه نابرابری از میان برکنده خواهد شد و جهان سرشار از برابری خواهد شد؛
۳. هردو شاعر بر این باورند که امام با ظهور خود ریشه ظلم را برچیده و با قدرت الهی خود دادِ مظلومان را از ظالمان زمانه خواهد گرفت؛
۴. در نگاه دو شاعر، جهان آخرالزمان که با وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل می‌شود، همان مدینه فاضله‌ای است که بشر در طول تاریخ به انتظار آن بوده است؛ جهانی که اساس آن را عدالت خداوندی تشکیل داده و کوچک‌ترین نشانه‌ای از ظلم و ستم در آن به چشم نمی‌خورد؛ جهانی که به اعتقاد خوشدل، دنیایی غرق شادی و برابری است؛
۵. افتراقاتی هم‌چون؛ میلاد امام، ضرورت وجود پیشوای الهی، نابودی دجال و نام‌گذاری امام، جلوه‌ای خاص به شعر آنان بخشیده است؛
۶. با نگاهی اجمالی به مضامین موجود در شعر این دو شاعر، می‌توانیم بیان کرد که

شعر علامه جشی دارای تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب است؛ زیرا شاعر تصاویر ادبی زیبا، مضامین شعری بسیاری نسبت به شعر آذر بیگدلی دارد. علامه جشی موضوعاتی هم چون میلاد امام و ضرورت وجود پیشوای الهی را با صراحت تمام و کمال بیان نموده است.

یادداشت‌ها

لطفعلی بیگ (آذر) بیگدلی، (پسر آقاخان بیگدلی شاملو) در اصفهان به دنیا آمد. در ایام کودکی به سبب بروز فتنه محمود افغان خانواده اش به ناچار از اصفهان به قم مهاجرت کرد؛ و پس از ۱۴ سال زندگی در قم با پدر خود که به حکومت لار منصوب شده بود، به فارس رفت، ولی ۲ سال بعد، پس از مرگ پدر، با عم خود عازم سفر حج و زیارت عتبات شد و پس از مراجعت به خراسان رفت. در خراسان به اردوی نادرشاه پیوست و همراه اردوی نادری از راه مازندران به آذربایجان رفت. پس از این سفر، عازم عراق عجم شد و در اصفهان سکنی گزید، و چندی به خدمت دیوانی مشغول شد، لیکن سرانجام از امور دیوانی کناره گرفت و به تصوّف روی آورد و به سلوک پرداخت و در پایان عمر در شهر قم اقامت کرد و در همان جا درگذشت و به خاک سپرده شد.

علی بن حسن الجشی القطیفی، فقیهی دانشمند و شاعری سعودی در قرن ۲۰م در قطیف به دنیا آمد و پایه های علم را در آن جا آموخت سپس در سال ۱۸۹۹ به عراق مهاجرت کرده و برای خواندن دروس دینی در نجف ساکن شد و از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۶ مشغول به تدریس شد و در سال ۱۹۳۵ به قطیف بازگشت و مشغول به تحصیل شد تا جایی که از سوی محسن حکیم مجوز اجتهاد به وی داده شد و از مراجع شیعه دوازده امامی در قطیف شد، هم چنین در سال ۱۹۴۷ به عنوان قاضی قطیف تعیین شد. علامه پس از یک زندگی پربار در سال ۱۹۵۶ بدرود حیات گفت. از وی آثاری هم چون *الشواهد المنبریه*، *دیوان شعر*، *نظم کفایة الأصول*، *منظومه فی توحید* به جای مانده است.

منابع

- آذریبگدلی، لطفعلی بیگ، دیوان لطفعلی بیگ آذریبگدلی، بی جا: چاپخانه علمی (جاویدان)، اول، ۱۳۶۶.
- العجشی القطیفی، علی بن حسن، دیوان علامه العجشی، بیروت: مؤسسة الهدایة، ۲۰۰۳.
- حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲.
- زمانی محبوب، حبیب، «جایگاه عدالت و پیشرفت در مدینه فاضله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، فصل نامه آیین حکمت، سال هفتم، شماره ۲۳، ۱۳۹۴.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر، قم: دفتر آیت الله صافی، ۱۳۸۰.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی أكبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
- شیعه در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.
- عبداللهی، حسن، سیمای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آئینه شعر عربی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۷.
- قاسانی، عبدالرزاق، شرح فصوص الحکم، قم: نشر بیدار، ۱۳۷۰.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتب، ۱۴۰۴.
- کفافی، محمد عبدالسلام، ادبیات تطبیقی، ترجمه: حسین سیدی، مشهد: به نشر، اول، ۱۳۸۲.
- کلینی، ابی جعفر، اصول کافی، تهران: ولی عصر، ۱۳۷۵.
- مجلسی، محمدرضا، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مظفر، محمدرضا، عقائد الامامیه، تحقیق: عبدالکریم الکرمانی، تهران: فرصاد، بی تا.
- نوروزی، رضا علی؛ نجفی، محمد؛ هاشمی فاطمه، «موانع و آفات انتظار»، فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۹۰.
- هاشم العمیدی، سید ثامر، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده، بی جا: بی نا، بی تا.

